

بدیلی برای اف.آر.بی.آر؟

غلامرضا فدائی

استاد دانشکده علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه تهران

ghfadaie@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۷

چکیده

هدف: هدف این مقاله، ارائه طرحی پیشنهادی به‌عنوان جایگزینی برای اف.آر.بی.آر. است.

روش: مقاله حاضر به روش مطالعه‌ی سندی انجام گرفته است.

یافته‌ها: در این طرح، هر پدیده از جمله پدیده‌های کتابشناختی از طریق چند رویکرد مورد بررسی و تحقیق

قرار می‌گیرد. ابتدا موجودیت هر پدیده مطرح می‌شود و طبیعی است که موجودیت هر پدیده نیازی به استدلال ندارد بلکه واقعی است که با سه عنصر عنوان، مؤلف (تنالگان) و موضوع در عالم معرفت‌شناسی قوام و موضوعیت می‌یابد. آنگاه با رویکرد پنداری به توصیف و بیان بیشتر درباره‌ی هر سه عنصر فوق پرداخته می‌شود و چنانچه شناسه‌های اضافی در مسیر سه عنصر وجود داشته باشد ذکر می‌گردد. در ادامه با توجه به رویکرد مکانی و زمانی، زمینه حضور و ظهور پدیده مورد بررسی قرار می‌گیرد و شناسه‌ها و مطالبی که روشنگر این دو ویژگی پدیده است ذکر می‌شود. آنگاه به اصلی‌ترین رویکرد درباره‌ی پدیده که همانا ویژگی‌ها و چگونگی حضور و ظهور آن است پرداخته می‌گردد و اینکه با توجه به مخاطبان نوع جلوه اثر (متن اثر، ترجمه، چکیده، گزیده، ویرایش، شرح و حاشیه) و مسیر تحول آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین نحوه برخورد مخاطبان با آن از قبیل اقبال و یا ادبار، نمایه شدن، ضریب تأثیر و هر آنچه که ویژگی این موجودیت را بهتر می‌نمایاند مطرح می‌شود. در ادامه در تأثیر و تأثیری که پدیده کتابشناختی در فرد و جمع داشته است، ذکر می‌گردد. در آخرین بخش، دو رویکرد ساختاری و مقداری که حاوی دقیق‌ترین اطلاعات ساختاری و مقداری به‌لحاظ نوع، سبک، کم و کیف و مانند آن است، مطالعه می‌شود.

اصالت/ارزش: انواع قالب‌های سازماندهی و رده‌بندی چون دابلین کور، مارک، تی.آی.ای. و مودس،

تاکسونومی‌ها، فولکسونومی‌ها به بازار آمده‌اند که هر یک گوشه‌ای از مشکلات را حل نموده‌اند و مشکلات و محدودیت‌هایی هم به همراه دارند. اف.آر.بی.آر. نیز نمونه‌ای از آن است که آن هم به دلیل مشکلات اجرایی کمتر عملیاتی شده و مجریان رغبتی اندک برای استفاده از آن از خود نشان داده‌اند. نویسنده در این مقاله رویکردی جدید به مسئله هستی‌شناسی‌ها و یا بهتر است گفته شود هستی‌نگاشت‌ها دارد که می‌تواند جایگزینی برای اف.آر.بی.آر. باشد.

کلیدواژه‌ها: هستی‌شناسی، اف.آر.بی.آر، نگاه رویکردی، سازماندهی اطلاعات.

مقدمه

اصولاً کتابداری و اطلاع‌رسانی و یا علم اطلاعات و دانش‌شناسی را حوزه‌ای همراه با ذخیره و بازیابی قلمداد کرده‌اند و از آنجا که در این ذخیره، امر سازماندهی نهفته و مستتر است، آنچنان اهمیتی دارد که در بسیاری از موارد و به‌ویژه قبل از ظهور فن‌آوری‌های وبی، اغلب مراکز آموزش حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی، دروس سازماندهی و تعداد واحدهای آن از اعتبار بیشتری برخوردار بوده است. با ظهور فن‌آوری‌های جدید و عبور وضعیت فکری بشر از مدرن به پست‌مدرن و مبارزه با سنت‌گرایی و ساختاربنندی، توجه به کاربر و آمیال و خواسته‌های او به شدت مطرح شد و از این رو برنامه‌ریزان هم به تبع آن، به فکر راه‌حل‌های جدید برای پاسخ به این نیازها دست به کار شدند و طرح‌های جدیدی را به جامعه پژوهش عرضه کردند.

اینکه سازماندهی عنصر بسیار مهم در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی بوده و هست جای هیچگونه تردیدی نیست. حتی در فن‌آوری‌های پیشرفته و موتورهای جست‌وجو، در پشت پرده فن‌آوری، سازماندهی با اشکال و تنوع خود مطرح است. اما برخلاف آنچه مالت‌بی^۱ روزی گفته بود که اساس کتابداری سازماندهی است، فدائی اساس کتابداری را بازیابی عنوان کرده و آن را محور و رکن اصلی این حوزه دانسته است (فدائی، ۱۳۸۹) و یاد آور شده است که اگر سازماندهی هم شکل می‌گیرد، به دلیل هدف غایی بازیابی است. فرق مسئله در این جا ظاهر می‌شود که اگر بازیابی اطلاعات برای پاسخگویی به متقاضیان نباشد ممکن است هرگونه سازماندهی صورت گیرد که صرفاً منظور آن حفاظت از منابع باشد و یا فقط مربوط به افراد خاصی باشد و دیگران از دستیابی به آن محروم باشند و به‌ناچار باید از افراد خاصی اجازه بگیرند تا بتوانند از منابع استفاده کنند. اما وقتی بازیابی اساس و محور باشد طبعاً سازماندهی به‌گونه‌ای صورت خواهد گرفت که بیشترین افراد در کوتاه‌ترین زمان حداکثر استفاده را از آن بنمایند.

از زمان‌های قدیم که حتی برای نوشته‌ها، کتب و یا مقالات فهرست تهیه می‌شد، باز هم مسئله بازیابی مطرح بود. فهارس قدیمی، به صورت الفبایی یا موضوعی، براساس نویسنده و یا

1. Maltby

عنوان، و کتابشناسی‌های بعدی با هر شکل و شمایل، باز برای پاسخ به نیازمندان اطلاعاتی و دانشی بود. منتها در گذشته چون متقاضیان، یا کم بودند و یا جرأت نزدیک شدن به منابع را به دلیل قلت بضاعت علمی نداشتند و یا دارندگان مجموعه، خود را مالک منابع می‌دانستند و به دیگران اجازه استفاده نمی‌دادند، طبعاً فهراس هم محدود و با ذوق و سلیقه گردآورنده همراه بود. این وضعیت هم اکنون برای منابع طبقه‌بندی شده علمی یا سیاسی و مانند آن وجود دارد. حتی بزرگان و روشنفکران بعضی فهراس را در گذشته برای خود و یا تعداد معدودی از شاگردان خود تهیه می‌کردند و بدیهی است که چنین فهراسی، حاوی سازماندهی مقطعی و موردی و محدود است.

در جهان امروز که اول به دلیل آگاهی بیشتر مردم و نیاز آنان به دستیابی به منابع، و دوم به دلیل سرعت پیشرفت فن‌آوری و تنوع خواسته‌ها، وضعیت به گونه‌ای دیگر است. توضیح اینکه کثرت اطلاعات به وجود آمده، بالا رفتن سطح سواد عمومی، رایانه‌ای و تخصصی در بسیاری از جماعات، و گسترش کسب و کار آنان، مردم را به داشتن اطلاعات جدید و قدیمی برای جلوگیری از دوباره کاری و چند باره کاری، متمایل تر کرده است. امروز دیگر نمی‌توان با فهراس قدیمی به این نیاز پاسخ گفت؛ نیازی که در همه اقشار و در همه زمینه‌ها و حوزه‌های موضوعی وجود دارد. همچنین فن‌آوری که خود بازتاب نیازمندی‌های اطلاعاتی جامعه است به قدری شتاب گرفته است که نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات از هماهنگ کردن فعالیت‌های خود با این پیشرفت‌ها عاجز مانده‌اند. بنابراین علی‌رغم این عقب‌ماندگی، متفکران و دست‌اندرکاران حوزه‌های بازیابی اطلاعات را بر آن هستند که طرح‌های جدیدی را پیشنهاد کنند و یا از نوآوری‌های سایر حوزه‌ها استقبال نمایند تا بتوانند شکاف موجود بین خواست کاربران و سازمان‌های پاسخگو را در این حوزه‌های اطلاعاتی پر کنند. حتی ملاحظه می‌شود که با ظهور وب جهان گستر و اینترنت‌های پرسرعت، باز هم بازیابی اطلاعات اگرچه با سرعت بسیار زیاد انجام می‌شود، اما دقت لازم را ندارد و بنابراین نیاز مخاطب و کاربر همچنان موضوع روز است.

بلوم فیلد^۱ (۲۰۰۱) به نمایه‌سازی به عنوان یک امر بسیار ضروری می‌نگرد و معتقد است

1. Bloomfield

که این امر مورد بی‌مهری قرار گرفته است. او می‌گوید چنانچه برای تربیت نمایه‌سازان، با تخصص و تبخّر لازم سرمایه‌گذاری کنند و سازمان‌های مسئول به آنها توجه لازم نمایند، مشکلات زیادی حل می‌شود. اگر چه مقاله وی مربوط به سال ۲۰۰۱ است اما وی عقیده دارد که باید در کار نمایه‌سازی، تدبیر و سرمایه‌گذاری بیشتری صورت گیرد. این به آن مفهوم است که بر خلاف نگاه تجاری و اقتصادی، اغلب موتورهای جست‌وجو و سایت‌های پر قدرت، بیش از آنکه به دقت در پاسخ‌ها علاقه‌مند باشند، به حجم دارایی‌های اطلاعاتی موجود توجه می‌کنند؛ به عبارت دیگر رقابت بر سر داشته‌های بیشتر است و نه بر آوردن هر چه بیشتر نیاز کاربران و مشتریان.

در هر حال، نظام‌های متکفل این مسئله، پس از تهیه فهرس و کتابشناسی‌ها از سرعنوان‌های موضوعی استفاده کردند. از آن پس، اصطلاحنامه‌های تخصصی و عمومی به کمک شتافتند. بعد از آن برای مقابله با نیازهای روزافزون متقاضیان، طرح‌های جدیدی به نام تاکسونومی و فولکسونومی پدید آمدند تا بتوانند به تشنگی زائدالوصف متقاضیان پاسخ گویند. در این راستا، و به منظور حل مشکلات موجود، هستی‌شناسی‌ها مطرح شدند. هستی‌شناسی‌ها که مناسب‌تر است به آن هستی‌نگاری گفته شود - چون هستی‌شناسی بحثی فلسفی است و در این جا بیشتر به نگاشت موجودیت‌ها توجه می‌شود (حری، ۱۳۹۱) - برای محیط وب طراحی شده‌اند تا کاربران بتوانند با درک روابط موجود بین اجزاء پدیده‌ها به نیاز خود دست یابند. علیرغم تلاش‌های انجام شده، هستی‌شناسی‌ها هنوز نتوانسته‌اند مشکلات را حل کنند و از این رو است که طرح‌هایی که متخصصان ارائه کرده‌اند کمتر عملیاتی شده‌اند و اغلب مسئولان رغبتی بر اجرای آن نشان نداده‌اند.

اُتولوژی یا هستی‌شناسی (هستی‌نگاری) را بعضی‌ها جایگزین مناسبی برای اصطلاحنامه‌ها در محیط وب قلمداد کرده‌اند (کشاورز، ۱۳۹۱). بعضی آن را به مثابه پل‌هایی برای جزیره‌های پراکنده در اقیانوس وب تلقی نموده‌اند، اما باز معتقدند که چالش‌های فراوانی در دریافت و برداشت معنا از منابع و رسانه‌های مختلف وجود دارد. چالش عمده این است که سیستم‌ها و شبکه‌های ناهمگن بسیاری وجود دارد که هر یک از واژگان خاصی استفاده می‌کنند و این چالش، وب را به دلیل چندوجهی بودن آن، توان فرسا می‌کند (کشاورز، ۱۳۹۱).

بحث نشانه و معنا یکی از بحث‌های مهم در هستی‌شناسی‌ها است که باید به آن توجه ویژه نمود و این مقاله بنا ندارد به آن بپردازد. اما نکته‌ای که می‌توان به آن اشاره کرد این است که هر اصطلاحی به صورت مفرد دارای معناست و وقتی در ترکیب جمله قرار گرفت حاوی معنای دیگری می‌شود (حری، ۱۳۹۱) که با معنای اولی فرق دارد و این برخلاف آن چیزی است که ویتگنشتاین^۱ به آن معتقد است که اصطلاح قبل از حضورش در جمله فاقد معناست (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۹). البته در اینجا نیز باید توجه داشت که دو رویکرد کلی در این جا مطرح است و آن اینکه اگر رویکرد واقع‌گرا داشته باشیم به این معناست که معنی در خود اشیاء است همچنانکه فرگه^۲ به آن اشاره دارد و رویکرد دیگر اینکه معنا را ما می‌سازیم و بر شیء تطبیق می‌دهیم که رویکردی ذهن‌گرایانه است. بدیهی است که با هر یک از این دو رویکرد، نتایج متفاوتی به بار خواهد نشست.

رابطه و ربط

روابط در معرفت‌شناسی آن قدر مهم است که بعضی‌ها هستی و موجودیت را جز روابط چیز دیگری نمی‌دانند (بینز و گرین^۳، ۲۰۰۱). نویسنده این مقاله در کتاب «مقدمه‌ای بر هویت کتابداری و اطلاع‌رسانی» در مقاله اطلاعات چیست، اطلاعات را مجموعه‌ای از نسبت‌ها یا روابط می‌داند که شخص فاعل با اشراف بر آن روابط و نسبت‌ها دارای علم و اطلاعات می‌شود (فدائی، ۱۳۸۹). ربط که اساسی‌ترین عامل موفقیت در بازیابی اطلاعات است، زمانی تحقق خواهد یافت که بین نمایه‌ساز و کاربر توافق معنایی، دانش کافی و ارتباط تخصصی وجود داشته باشد. فرایند تبدیل روابط موجود در اصطلاحنامه به روابط هستان‌شناسی توسط بهشتی (۱۳۹۱، ۲۷) به صورت زیر ترسیم شده است:

۱. تعریف ساختار هستی‌شناسی؛
۲. پرکردن ساختار از طریق یک یا چند سیستم دانش سازماندهی شده؛
۳. ویرایش دستی با کمک یک ویرایشگر اُنتولوژی. این مرحله به دو بخش تقسیم می‌شود: رقیق‌تر کردن اطلاعات موجود (رفع ابهام از روابط موجود) و اضافه کردن اطلاعات جدید (اضافه کردن روابط و مفاهیم جدید هستی‌شناسی). بنابراین اگر

1. Wittgenstein

2. Frege

3. Beans & Greens

بخواهیم هستی و یا موجودیت را بشناسیم، باید اوصاف آن را ذکر کنیم و یا به تعبیر دیگر روابط آن را با دیگر پدیده‌ها و یا اجزاء داخلی‌اش تبیین کنیم.

همانطور که گفته شد غرض از بازیابی، شناختن و شناساندن است و در این زمینه فقط همدلی بین نمایه‌ساز و کاربر می‌تواند بسیار مهم باشد. روابط را می‌توان شامل موارد زیر دانست:

۱. روابط مربوط به پدیدآورنده، مانند خُلق و خوی او، تخصص و تجربه او، انگیزه او، آثار دیگر او، و مانند این‌ها؛
۲. روابط مربوط به اثر و ویژگی‌های فیزیکی و محتوایی آن؛
۳. روابط مربوط به زمینه زمانی و مکانی و موقعیتی‌ای که اثر در آن پدید آمده؛
۴. روابط مربوط به آثار مشابه؛
۵. روابط مربوط به تأثیر و تأثرهای ناشی از اثر.

از انواع روابط می‌توان به روابط سلسله مراتبی، منطقی، وجودی، نحوی، زبانی، معنایی، هم‌عرضی، ترادفی، کاربردی، و فایده‌انگاری اشاره کرد. این روابط مانع‌الجمع نیستند و بسیاری از این‌ها می‌توانند در کنار هم حضور داشته باشند.

به گفته صنعت‌جو (۱۳۹۱، ۴۳) «از نقطه نظر بازیابی اطلاعات، هستی‌شناسی‌ها یک قالب قابل فهم توسط ماشین از توصیف محتوا فراهم ساخته‌اند» و به دلیل وجود جانشین‌های گوناگون در نظام بازیابی، حوزه‌های رایانه، زبان‌شناسی و علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی بر روی هستی‌شناسی‌ها کار می‌کنند. او ضمن اعتقاد به ضرورت به کارگیری هستی‌شناسی در نظام بازیابی اطلاعات عوامل تأثیرگذار بر موفقیت اجرا را مواردی چون کلمات مترادف، تکثر و تعدد معنایی، توصیفگرهای منحصر به فرد، معانی رسمی، هماهنگی درونی، میانکنش‌پذیری، یکپارچه‌سازی وسیع اطلاعات، قابلیت استنتاج، پردازش خودکار اطلاعات، حمایت از پردازش زبان طبیعی، فهم پرسش جست‌وجو، جست‌وجوی مبتنی بر مفهوم، حمایت از جست‌وجو و به‌روز اطلاعات یکپارچه، و بسط پرسش جست‌وجو می‌داند (همان، ۴۵-۴۴).

اف.آر.بی. آر^۱

اگر چه هستی‌شناسی‌ها در نظام وب‌محور در همه حوزه‌ها می‌تواند کاربرد داشته باشد، اما اف.آر.بی.آر. ظاهراً طرحی است که مربوط به حوزه سازماندهی در علم اطلاعات و

1. Functional Requirements for Bibliographic Records (F. R. B. R.)

کتابشناسی است. اف. آر. بی. آر. که به معنای «ملزومات کارکردی برای رکوردهای کتابشناختی» است می‌خواهد بر اساس روابط موجود بین عوامل کتابشناختی بیش از پیش به نیاز کاربران پاسخ گوید. اگر چه برخی معتقدند که توجه به بلوک ۴ مارک وافی به مقصود بود اگر درست به کار گرفته می‌شد (کوکبی، گفت‌وگوی تلفنی) اما واقعیت این است که مفاهیم و اصطلاحات کتابشناختی در مارک به قدری بریده از هم و مکانیکی است که کمتر می‌توان روابط مفهومی را در آن برقرار کرد (زانگ و سالایا، ۱۳۹۰، ۶۷-۶۸). اما در اف. آر. بی. آر. چند عنصر مطرح است که به اصطلاح واضعان هر یک بر دیگری متکی است. ساختار آن چنین تعریف شده است (عربگری، ۱۳۹۱، به نقل از محمدی، ۱۳۸۲):

الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی از ساختاری سلسله‌مراتبی و چندسطحی برای فهرست‌نویسی، توصیف و نمایش یک اثر و آثار وابسته به آن بهره می‌برد. از مهمترین مزایای فهرست‌نویسی سلسله‌مراتبی که در الگوی ملزومات کارکردی پیشینه‌های کتابشناختی پیشنهاد می‌شود، گردآوری و در نتیجه بازیابی و نمایش آثار وابسته به یک اثر اصلی، در زیر آن اثر است ... مزیت این شیوه، بازیابی سریع‌تر و سودمندتر آثار و شناخت بهتر نوع ارتباط آثار وابسته به یکدیگر و ترسیم دقیق‌تر آنها به‌عنوان کاربردهای عملی و عینی این قالب‌ها در بسترها و محیط‌های مختلف است.

اما اینکه چرا «اف. آر. بی. آر.» نتوانسته است در حوزه سازماندهی اطلاعات و بازیابی آن جای خود را باز کند قطعاً معلول عواملی است که باید مورد توجه قرار گیرد. زانگ و سالایا (۱۳۹۰، ۳۲) می‌گویند فهم بین چهار موجودیت گروه دشوار است از تک‌نگاشت‌های چاپی اخذ شده، اختیار اعمال تغییرات را منع می‌کند (همان، ۴۳-۴۴) قضاوت را به فهرست‌نویسان واگذار کرده است و تأکید بر گروه موجودیت اول دارد. آنها در عین حال تحقیقات در این مورد را ضروری می‌شمارند. آنچه می‌توان به‌عنوان نواقص مطرح کرد^۱ غیر از اشکالات نرم‌افزاری و اجرائی است و مربوط به ساختار و محتوا است و عبارتند از:

۱. در پایان‌نامه کارشناسی ارشد عربگری به نقل از خوشبخت (۱۳۸۸، ۱۲۵-۱۲۷) مواردی را به‌عنوان نقاط ضعف اف. آر. بی. آر آورده است که عبارتند از: نیاز به ارتقاء قواعد فهرست‌نویسی، نیاز به ایجاد ساختار ... جهت اجرا، نیاز به ارتقاء و آزمایش ابزارها و نرم‌افزارها، نیاز به هدایت مطالعات، نیاز به توجه به چگونگی تبدیل داده‌های موجود با استانداردهای مختلف به مدل اف. آر. بی. آر، نیاز به بررسی روایی و کارآیی مدل اف. آر. بی. آر، نیاز به ارتقاء سطح استاندارد، نیاز به دستنامه، و نیاز به ارتقاء طراحی و گسترش رابط کاربر مناسب.

۱. در اف. آر. بی. آر هر پدیده کتابشناختی (به پیوست مراجعه شود) در سه سطح مطرح شده است و معلوم نیست بر چه اساس این تفکیک صورت گرفته است و آیا ترتیبی هم دارد؟ یعنی تقدم و تأخر در آن مطرح است؟ اینکه عنوان اثر، بیشتر شناخته شده است قطعی و متفق علیه نیست. البته عنوان بسیار مهم است ولی اثر بدون مؤلف و یا تنالگان معنا ندارد و نمی‌توان سطح آن را در درجه دوم اهمیت قرار داد. در رده‌بندی‌های مرسوم سرشناسه اصلی را مؤلف قلمداد کرده‌اند. مهمتر شناخته شدن عنوان فقط در نسخه‌های خطی است زیرا نام کتاب بیشتر مطرح است. در فهرست‌نویسی‌های فعلی، در صورت نبودن مؤلف و یا تنالگان، عنوان سرشناسه قرار می‌گیرد و جایگزین آن می‌شود. همچنین معلوم نیست چرا موضوع باید در سطح سوم قرار گیرد در حالیکه اغلب کاربران ابتدا جست‌وجوی خود را از موضوع شروع می‌کنند و سپس به دنبال عنوان و یا مؤلف می‌گردند. اما اگر آن را از نقطه نظر فهرست‌نویس به حساب آوریم قطعاً او سه مقوله عنوان، مؤلف یا تنالگان، و موضوع را با هم خواهد دید؛ به‌ویژه در مقوله عنوان و مؤلف که از هم تفکیک‌ناپذیرند. در نمودارهای مربوط به اف. آر. بی. آر هم ملاحظه می‌کنیم که در هر سه مورد فلش‌ها به سوی اثر است و این هم‌ارزی سه مقوله مؤلف، عنوان (تنالگان) و موضوع را نشان می‌دهد.
۲. اینکه مشخص نیست چرا در نمودار اولی اف. آر. بی. آر برای اثر، «بیان»^۱ در نظر گرفته شده ولی در مورد دو مقوله دیگر اصطلاح «بیان» وجود ندارد. اگر بیان به معنای تفسیر و یا شناسه‌های اضافی و با تلقی‌های گوناگون است، این امر در مورد دو مقوله مؤلف (تنالگان) و موضوع هم می‌تواند مطرح باشد. موضوع و یا موضوعات فرعی و مشابه و یا مرتبط نیز اگر نیاز به توضیح داشته باشد می‌توان آن را با «بیان» مشخص کرد که ظاهراً جای آن خالی است و یا در غیر جای مرتبط آورده شده است.
۳. هیچ رابطه منطقی و یا سلسله‌مراتبی بین اثر، بیان، قالب و مورد نیست و یا تعریف نشده است. همچنین بین اثر، مؤلف یا تنالگان، و موضوع، رابطه‌ای تعریف شده وجود ندارد. صرفاً و شاید به دلیل ضرورت، چنین قراردادهایی فرض شده است. کاربران هم کمتر روابط بین این تقسیم‌بندی را درک می‌کنند.

1. expression

۴. محدود کردن همه آیت‌های مورد نظر در مورد یک پدیده کتابشناختی به این موارد، کار را برای قرار دادن پاره‌ای از ویژگی‌ها مشکل می‌کند. این یادآور رده‌بندی کنگره و گسترش آن است که چون ترتیب منطقی وجود ندارد، تغییرات و اصلاحات به صورت قراردادی صورت می‌گیرد. در این جا نیز ناگزیر هستیم گاهی بدون ارتباط منطقی پاره‌ای از ویژگی‌ها را در مقوله‌های مورد نظر بگنجانیم. از این رو است که طراحان و مدافعان اف.آر.بی.آر هر از گاهی پیشنهادهایی مطرح می‌کنند که ویژگی خاصی در مقوله خاصی آورده شود و از دیگران هم در این مورد نظرخواهی می‌کنند.

۵. مسئله اثر و رابطه آن با عنوان، مؤلف (تنالگان) و موضوع از هم انفکاک پذیر نیست. در شکل ۲ این طرح، این امر به خوبی مشهود است که اثر با مؤلف مرتبط است و بعد جداگانه و مستقل با بیان، ویژگی‌ها و مورد نیز متصل می‌شود. در شکل ۳ نیز موضوع با هر یک از مقوله‌ها به طور مستقل و جداگانه مرتبط است. بنابراین کاربران در اغلب موارد به جای آنکه از طریق عنوان به دنبال اثری باشند، ابتدا از طریق موضوع نیاز خود را مطرح می‌کنند. ضمن اینکه اثر بدون مؤلف معنا ندارد و در بسیاری از موارد به دلیل عناوین مشابه لازم است که مؤلف مشخص شود. در این گونه موارد، مؤلف (تنالگان) است که به عنوان و نیز موضوع اعتبار می‌بخشد. بحث‌های پست‌مدرنی مانند مرگ مؤلف و مانند آن ممکن است فقط برای بعضی‌ها جالب توجه باشد؛ آنهایی که نگاه افراطی به تفسیرگرایی دارند و نقشی برای مؤلف قائل نیستند. تازه در این صورت خودشان را به جای مؤلف می‌گذارند و به نقش تألیفی خود و حتی کمتر از آنها نیز اصرار دارند. در هر صورت در تعیین اطلاعات کتابشناختی، این مسئله پایگاه‌چندانی ندارد و به نظر می‌رسد دلائل و شواهد کافی برای چنین تقسیم‌بندی وجود ندارد و یا شاید من با آن برخورد نکرده‌ام. و شاید به همین دلیل باشد که اف.آر.بی.آر هنوز مقبولیت عام و لازم را نیافته و کمتر جایی به اجرای آن روی خوش نشان داده است.

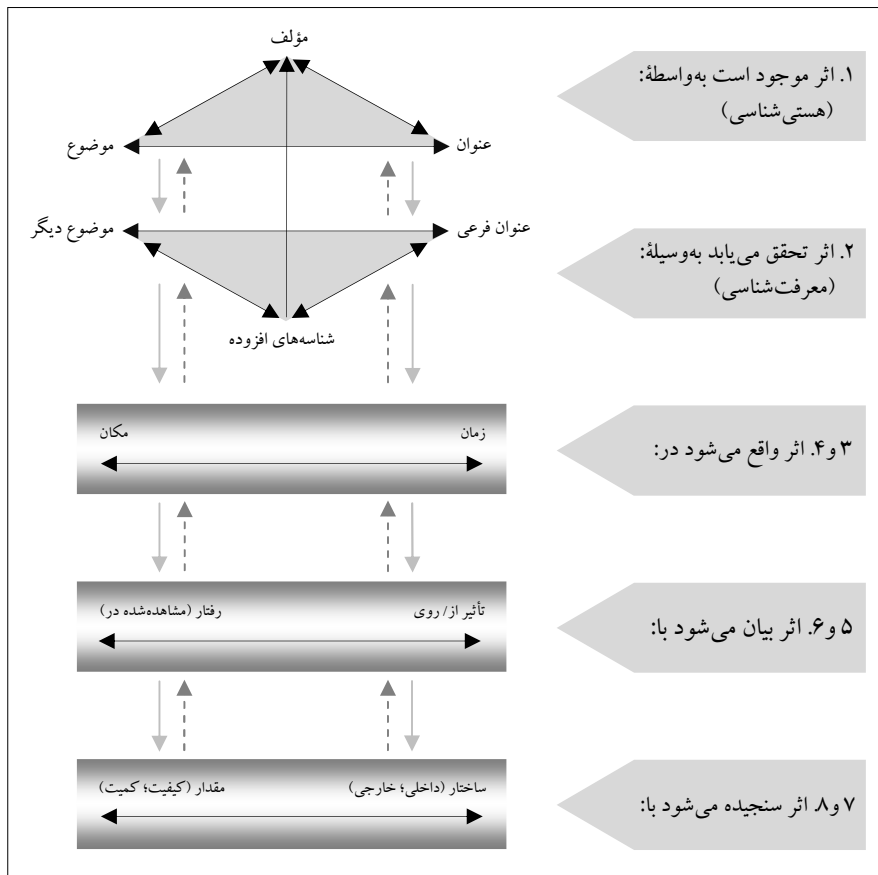
از این رو می‌توان شناخت هر پدیده کتاب‌شناختی را به مراحل زیر تقسیم کرد:
هستی‌انگاران و معرفت‌شناسانه شامل موجودیت آن و تعابیر و تفاسیر مرتبط با آن، زمینه‌ای

شامل جایگاه، خاستگاه و تاریخ و محل تولید، توزیع و نگهداری و.... آن؛ کاربرانه شامل اهداف کاربردی، حضور پدیده بر اساس نیاز مخاطب، محدودیت بازار نشر، تأثیر و تأثیری که بر فرد و جامعه داشته و یا خواهد داشت و چهارمی اقدام‌وارانه شامل ساختار، شکل و شمایل و قالب‌های مرسوم حضور پدیده در ظاهر و محتوا.

از این رو، الگویی که من پیشنهاد می‌کنم، شاید بتواند خلأهای موجود را پُر، و از نظر منطقی بیشتر بتواند جنبه‌های گوناگون اثر را تعیین کند و ویژگی‌های آن را بنمایاند. لازم به توضیح است که این الگو، اصالتاً روش شناختی بوده است (فدایی، ۱۳۸۹ الف) و منطق آن این است که برای شناخت هر پدیده، از ۸ جنبه می‌توانیم آن را مورد بررسی قرار دهیم. بدیهی است شناخت کامل آن منوط به بررسی رویکردهای هشت‌گانه آن خواهد بود که لزوماً توسط یک فرد و یا یک متخصص انجام نخواهد شد. تلاش جمعی می‌تواند به شناخت نسبتاً کاملی منجر شود؛ ضمن اینکه به صورت جداگانه نیز می‌توان جنبه‌هایی از پدیده را مورد مطالعه قرار داد ولی کسی حق ندارد ادعا کند که از جمیع جهات پدیده‌ای را شناخته است و بنابراین حکم کلی درباره شناخت و یا تحقیق در مورد پدیده نمی‌توان داد.

در اینجا هم، بر اساس این رویکردهای هشتگانه چنین بحث می‌شود که پدیده می‌تواند یا از حیث موجودیت و هستی‌شناسی مورد تحقیق قرار گیرد و یا از حیث معرفت‌شناسی که در آن، پدیده و یا موجودیت را تعابیر، تفاسیر، اسامی فرعی و تلقی‌های گوناگون زبانی و طبقه‌بندی احاطه کرده است. در همین حال، از آنجا که هر پدیده محفوف به مکان و زمان است، تاریخ حیات و استمرار آن در مکان و زمان و یا به تعبیر دیگر استقرار و استمرار آن مورد توجه محقق خواهد بود. پس از این چهار رویکرد، رویکرد دیگر این است که پدیده‌ها به لحاظ رفتار در موجودات زنده، و یا چگونگی حضور و ظهور پدیده‌های دیگر از جمله مباحث کتابشناختی مطالعه شود به این معنا که پدیده چگونه عمل می‌کند، چه رفتارهایی از خود بروز می‌دهد و یا بر اساس نیاز مخاطب چه نوع حضوری در جامعه داشته و یا دارد؟ آیا متن اصلی، چکیده، شرح و تفسیر، حاشیه، ترجمه و مانند آن خریدار داشته و اقبال و اِدبار نسبت به آن صورت گرفته است؟ پس از آن در رویکرد آثاری، تأثیراتی که پدیده در موجودیت خود از

دیگران و یا سایر پدیده‌ها پذیرفته و نیز اثرات فردی و اجتماعی که بر جا گذاشته است مورد توجه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، بسیاری از پدیده‌ها هم متأثر از عواملی بوده‌اند و هم خود تأثیراتی را چه در حال و یا آینده داشته و خواهند داشت. پس از آن، این نکته مطرح می‌شود که هر پدیده ساختار مشخصی دارد و یا در قالب و هیئت خاصی ظاهر می‌شود و یا متحول می‌گردد. شناخت ساختار و حتی شکستن ساختار، بنا بر قول ساختارشکنان، در این جا مطرح می‌شود. این ساختار می‌تواند شامل فرم و قالب ظاهری و فیزیکی باشد و یا قالب و محتوای درونی را مطرح کند مانند قالب‌های شعر، انواع آن چون غزل، و در موسیقی مثل موسیقی پاپ و امثال آن. سرانجام رویکرد مقداری است که آن هم چه به لحاظ کیفی و چه به لحاظ کمی می‌تواند بیانگر مشخصه‌های بارز و ملموس هر پدیده باشد که باید مورد تحقیق قرار گیرد. رویکرد اخیر، مورد توجه خاص پژوهش‌های اثبات‌گرایانه و تحصیلی است که اغلب به جنبه‌های مقداری پدیده‌ها توجه دارند. اگر چه رویکرد مقداری شامل پژوهش‌های کم‌محور و کیف‌محور است ولی پوزیتیویسم یا اثبات‌گرایی تاکنون سخت به جنبه‌های کمی توجه داشته و از این رو مورد اعتراض و نقد بسیاری از جمله پست‌مدرن‌ها قرار گرفته است. مقدار یا اندازه به قول هگل (استیس، ۱۳۵۵) شامل ویژگی‌های کمی و کیفی، هر دو، است و هیچ پژوهشی نمی‌تواند فارغ از کم و کیف باشد. منتها در هر پژوهشی گاه تأکید بر کمیت است و گاه کیفیت، اما کمیت و کیفیت هر دو در هر پژوهشی حضور دارند که حاصل آن مقدار و یا اندازه است. البته از آنجا که در مکاتب روش‌شناختی غربی، نحله‌ها اغلب داعیه انحصار دارند، وقتی به رویکردی متوسل می‌شوند در مقام نفی و یا نادیده گرفتن رویکردهای دیگر قرار می‌گیرند. برای مثال وقتی بحث تجربه‌گرایی و یا عقل‌گرایی می‌شود گویی دو رویکرد در برابر هم صف‌آرایی کرده‌اند، در حالی که در این رویکردهای هشت‌گانه، مبنای کار بر تعامل، توافق و کار جمعی است که برای تحقیق و شناخت پدیده‌ها باید همه جنبه‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، مکانی و زمانی (شامل تاریخ و فرهنگ)، چگونگی عملکرد (رفتار)، تأثیر و تأثرات، و نیز ساختار و مقدار که همه مکمل یکدیگرند مورد توجه قرار می‌گیرد.



شکل ۱. تصویر یک پیشینه یا موجودیت کتابشناختی در جهان

توصیف بیشتر طرح فوق به شرح زیر است:

۱. موجودیت:
 - ۱-۱. عنوان؛
 - ۲-۱. مؤلف (تنالگان)؛
 - ۲-۱. موضوع؛
۲. بیان و تفسیر:
 - ۱-۲. عناوین فرعی، عناوین قبلی، عناوین مشابه، عناوین مشهور، زبان؛

- ۲-۲-۱. مؤلف: سن، تخصص، تجربه، تحصیلات، اثر چندم، اثرهای دیگر، مذهب، وابستگی گروهی، وابستگی اجتماعی و سازمانی، انجمن‌های علمی و صنفی، بازنشسته، فوت کرده، افتخارات، نشان‌ها، محل تولد و زندگی؛
- ۲-۲-۲. سازمان: موضوع سازمان، سال فعالیت، مدت فعالیت، تعطیلی یا فعالیت، رقبا.
- ۲-۲-۳. موضوع: موضوعات فرعی، موضوعات مشابه، موضوعات روز، موضوعات قدیمی و موضوعات تاریخی؛
۳. کجا (مکان)؟
- ۳-۱. محل تولید، ناشر، شهر و کشور؛
- ۳-۲. محل توزیع، کتاب‌فروشی‌ها و مؤسسه‌ها (شهر و کشور)، دواچ ۱، دواب ۲؛
- ۳-۳. محل ترجمه، شرح، حاشیه، دوبله؛
- ۳-۴. محل نگهداری، شخص مالک، کتابخانه (انواع کتابخانه) (شهر و کشور)، مؤسسه؛
- ۳-۵. محل بایگانی راکد؛
۴. کی (زمان)؟
- ۴-۱. زمان تولید / زمان پایان؛
- ۴-۲. زمان توزیع؛
- ۴-۳. زمان ترجمه، شرح، حاشیه، دوبله؛
- ۴-۴. زمان نگهداری؛
- ۴-۵. زمان بایگانی راکد؛
۵. رفتاری (چگونه؟) (با توجه به نیاز مخاطب): اصل اثر، چکیده، شرح و تفسیر، ترجمه، خلاصه، ویرایش، فهرست شده (کتابشناسی، فهرستگان)، نمایه شده، استناد شده، حاشیه، نقد شده، چاپ در مجموعه مقالات، چاپ در دایره‌المعارف، انتشار از طریق سایت‌ها و پایگاه‌ها، کمیاب، گران، ارزان، ممنوعه، وجین، دسترس‌پذیر، چگونگی تهیه (خرید، اهداء، امانت، وقف، نمایشگاه (بین‌المللی، داخلی)، امضاء، یادداشت، مونتاژ، چگونگی نگهداری توسط افراد یا کتابخانه‌ها، (مهر و امضاء)، وسیله اجرا، ویژگی‌های موسیقایی،

کلید، ویرایش (تجدید نظر)، مسیریابی تولید، ویژگی نُت، مقیاس، پروجکشن، تکنیک معرفی/سرعت در موسیقی یا تولید/درجه رنگ و شماره، فرم‌ها (درجه ریز یا درشت شدن)/راهنمای معلم/ضمائم/روابط سلسله‌مراتبی/VHS/رم و رام/ASCII/URL ...

۶. آثاری

۶-۱. تأثیر گرفته از: نویسندگان قبلی/عناصر، کتاب‌ها، مقالات، محیط اجتماعی، سابقه زندگی قبلی، محرومیت‌های فردی و اجتماعی، فیلم‌ها و گروه‌های اجتماعی و مذهبی ...؟

۶-۲. تأثیر گذاشته بر: نویسندگان دیگر، محیط اجتماعی، گروه‌های اجتماعی، ضریب تأثیر، مورد علاقه مردم، عدم استقبال، نوع مخاطبان ...؟

۷. ساختاری

۷-۱. قالب: کتاب، مجله، فیلم، ویدئو، میکروفرم، صوتی، تصویری، خط بریل ...؟

۷-۲. محتوا: نظم، نثر، داستان، نمایشنامه، سناریو ...؟

۸. مقداری

۸-۱. کمی: تیراژ، مشخصات نسخه، قیمت، کاغذ، جلد، سطور (فونت)، منابع، نمودار، عکس، بارکد، شاپا، فیپا ...؟

۸-۲. کیفی: جامعیت و مانعیت، نثر روان، کیفیت منابع، نمایه، نمودار، عکس، شکنندگی، احیاء (خطی) عکس، فیلم شستشوی شیمیائی، آسیب‌دیدگی، شفافیت ...؟

همانطور که در رویکردهای هشت‌گانه بالا ملاحظه شد اولاً به همه جنبه‌های مورد توجه در شناخت و تحقیق دربارهٔ یک پدیده توجه شده، از کلی به جزئی سیر کرده و هر چه به سمت پایین آمده‌اند^۱ از مجرد آن کاسته شده و به عینیت افزوده شده است. ضمن جامعیت این رویکردها سلسله‌مراتب هم به نوعی در آنها رعایت شده است. این رویکردها در واقع پاسخ به همان سئوالات قدیمی چه، چطور، کی، کجا، چگونه، با چه تأثیر، در چه قالب و ساختار و یا مقدار است. در اینجا وقتی اثر مطرح می‌شود هر سه عنصر عنوان، مؤلف (تالگان) و موضوع

۱. مطابق قانون آگوست کنت: کلیت متنازل و پیچیدگی متصاعد.

به‌عنوان موجودیت اصلی در نظر گرفته می‌شود؛ به این عنوان که هر پدیده کتابشناختی بدون این سه عنصر معنا و مفهومی نخواهد داشت. به عبارت دیگر اولین عناصری که هم فهرست‌نویس یا نمایه‌ساز، و هم کاربر به آن توجه می‌کند همین سه عنصر است. هر کاربری وقتی قصد و تصمیمی بر دریافت و شناخت مطلبی دارد نمی‌تواند یکی از سه عنصر فوق را فارغ از دو دیگر در نظر بگیرد.

پس از طرح و تأیید موجودیت، هر سه عنصر اولیه ممکن است دارای بیان‌های گوناگونی باشند؛ به این عنوان که ممکن است عنوان، مؤلف (تنالگان) و موضوع به شکل‌های دیگری هم مطرح باشند و یا در زمان‌های مختلف به شکل‌های گوناگون ثبت شده یا شهرت داشته باشند. همانطور که گفته شد، هر پدیده و یا اثر کتابشناختی نمی‌تواند فارغ از مکان و زمان باشد؛ بنابراین بلافاصله باید آنچه مربوط به زمان و مکان (استمرار، استقرار) برای تولید و توزیع پدیده است، ذکر شود. مکان و زمان تولید اثر، و یا توزیع، نگهداری، و حتی حذف و وجین آن باید مشخص شود. تاریخ و محل استقرار مؤلف و یا تنالگان هم از مسائل مهمی است که ذکر آن به یافتن اثر مورد نظر کمک می‌کند. حضور اثر در زمان و مکان می‌تواند با تأثیرات فرهنگی و تاریخی مختلف نیز همراه باشد. در رویکردهای بعدی که رویکرد رفتاری و آثاری است، به همه ویژگی‌های مربوط به چگونگی حضور اثر از قبیل ترجمه، خلاصه، حاشیه، شرح، نقد، حاشیه، تفسیر و مانند آن پرداخته می‌شود. اثرات پذیرفته‌شده فرهنگی و اجتماعی در تدوین اثر و یا تأثیرات گذاشته شده توسط آن اثر بر فرد و اجتماع نیز در اینجا مطرح می‌شود. در رویکرد ساختاری و مقداری مشخصاً به ویژگی‌های فیزیکی و شبه فیزیکی اثر توجه می‌شود. در بخش ساختاری، هم قالب‌های ظاهری و هم قالب‌های محتوایی مورد اشاره قرار می‌گیرد. در رویکرد مقداری نیز به کمیت و کیفیت، هر دو توجه می‌شود زیرا مقدار اعم از کم و کیف و یا ترکیبی از آن دو است و به قول هگل اندازه ترکیبی از اندازه و کیف است (استیس، ۱۳۵۵). توضیح بیشتر این الگو عبارت است از:

- اثر، با مؤلف (تنالگان)، عنوان، و موضوع موجودیت می‌یابد.
- آنگاه با نام‌گذاری و شناسه‌های اضافی بیشتر معرفی، و خصیصه‌های فرعی آن بیان می‌شود.
- سپس زمان و مکان تولید، توزیع، ترجمه و ویرایش و مانند آن طرح می‌گردد.

- پس از آن، ویژگی‌های رفتاری شامل حضور و ظهور در جامعه بر اساس میزان درخواست و کشش تقاضای مردم و علاقه‌مندان بیان می‌شود و با رویکرد آثاری، اثرات پذیرفته شده و یا برگرفته از دیگران و یا آثار گذاشته شده بر دیگران به صورت فردی و جمعی مطرح می‌شود. در رویکرد ساختاری به ویژگی‌های درونی و برونی پدیده توجه می‌شود و تحقیقات علم تجربی به معرفی آن می‌پردازد. این ساختار هم در امور طبیعی و هم مسائل اجتماعی کاربرد دارد. در رویکرد مقداری که عینی‌ترین و ملموس‌ترین بخش این رویکردهاست به دو محور کم و کیف توجه می‌شود. در خصوصیات کمی به ظاهر و هر یک از عناصر کتابشناختی، و ویژگی‌های مرتبط با آن، توجه و حتی تعداد نسخه‌های موجود ذکر می‌شود. در بحث کیفی نیز به دقت و ظرافت به کار رفته در اثر که برای کاربران مهم است اشاره می‌گردد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به اهمیت سازماندهی و بازیابی و به لزوم توجه بیشتر به ارائه طرح‌هایی در این زمینه اشاره شده است. نویسنده ضمن بررسی هستی‌شناسی و طرح اف.آر.بی. آر، برای بررسی روابط مفهومی در حوزه کتابشناسی به مشکلات آن اشاره و به جای آن طرحی بر محور رویکردها مطرح می‌کند. در این طرح، هر پدیده از جمله پدیده‌های کتابشناختی از طریق چند رویکرد مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گیرد. ابتدا موجودیت هر پدیده مطرح می‌شود و طبیعی است که موجودیت هر پدیده نیازی به استدلال ندارد بلکه واقعی است که با سه عنصر عنوان، مؤلف (تالگان) و موضوع در عالم معرفت‌شناسی قوام و موضوعیت می‌یابد. آنگاه با رویکرد پنداری به توصیف و بیان بیشتر درباره هر سه عنصر فوق پرداخته می‌شود و چنانچه شناسه‌های اضافی در مسیر سه عنصر وجود داشته باشد ذکر می‌گردد. در ادامه با توجه به رویکرد مکانی و زمانی، زمینه حضور و ظهور پدیده مورد بررسی قرار می‌گیرد و شناسه‌ها و مطالبی که روشنگر این دو ویژگی پدیده است ذکر می‌شود. آنگاه به اصلی‌ترین رویکرد درباره پدیده که همانا ویژگی‌ها و چگونگی حضور و ظهور آن است پرداخته می‌گردد و اینکه با توجه به ویژگی و نیاز مخاطبان چه نوع جلوه‌ای از اثر (متن اثر، ترجمه، چکیده، گزیده، ویرایش شرح و حاشیه تولید شده و مسیر تحول آن) مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین نحوه برخورد مخاطبان به آن

از قبیل اقبال و یا ادبار، نمایه‌شدن، ضریب تأثیر و هر آنچه که ویژگی این موجودیت را بهتر بنمایاند مطرح می‌شود. در ادامه در تأثیر و تأثیری که پدیده کتابشناختی در فرد و جمع داشته است ذکر می‌گردد. این ویژگی‌ها می‌تواند بر اصل اثر، ادامه موجودیت آن و یا تبدیل به موجودیت دیگر تأثیرگذار باشد. پس از آن به رویکرد ساختاری پرداخته می‌شود که در آن هم به قالب فیزیکی و ظاهری پدیده از حیث قطع، جلد، ویژگی‌های مربوط به فیلم مثل ۳۰ میلیمتری، ۸ میلیمتری و یا قالب‌هایی مثل پی.دی.اف و یا اچ.تی.ام.ال و غیره می‌پردازد و یا قالب‌های محتوایی مورد بررسی قرار می‌گیرد مانند انواع شعر و نثر و یا موسیقی‌های گوناگون و مانند آن. سرانجام در رویکرد مقداری به خصوصیات کمی و کیفی آن پرداخته می‌شود و یکایک نسخه‌های موجود در هر مرکز اطلاعاتی و یا کتابخانه و کیفیت آن به لحاظ رنگ، کاغذ، جداول و نمودار و مانند آن تأکید می‌کند.

این طرح سلسله مراتبی است، کاربرمدار است، یادگیری آن آسان است و کمتر به سلیقه فهرست‌نویس متکی است. امید است بتواند جایگزین خوبی برای اف.آر.بی.آر باشد. همچنانکه در تهیه طرح اف.آر.بی.آر پشتیبانی‌های انسانی و مالی و سازمانی فراوان بوده و در عین حال مجموعه استانداردهای دیگر هم باید در اجرای آن دخیل باشند (زانگ و سالایا، ۱۳۹۰، مقدمه مترجم ۲)، امید است این طرح نیز بتواند مورد توجه قرار گیرد. این طرح علاوه بر این که در مواد غیر چاپی کاربرد دارد می‌تواند در سایر حوزه‌ها، به‌ویژه برای محصولات صنعتی، مورد استفاده قرار گیرد. بدیهی است چنانچه اقبالی صورت گیرد باید طرح اجرایی و عملیاتی آن تهیه شود.

منابع

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۸۹). *فلسفه و ساحت سخن*. تهران: هرمس
- حری، عباس؛ خسروی، فریبرز، خراط، محمود و حسینی بهشتی، ملوک‌السادات (۱۳۹۱). هستی‌نگاری و کاربرد آن در نظام بازیابی اطلاعات. *کتاب ماه کلیات، اطلاعات، ارتباطات و دانش‌شناسی*، ۱۶ (۲)، ۱۱-۲.
- حسینی بهشتی، ملوک‌السادات (۱۳۹۱). *تبدیل اصطلاحنامه به هستی‌شناسی*. *کتاب ماه کلیات، اطلاعات، ارتباطات و دانش‌شناسی*، ۱۶ (۲)، ۲۶-۳۳.
- زانگ، بین و سالایا، آتنا (۱۳۹۰). *اجرای اف.آر.بی.آر در کتابخانه‌ها*. ترجمه عباس گیلوری. تهران: کتابدار.

- ستیس، والتر ترنس (۱۳۵۵). فلسفه هگل. ترجمه حمید عنایت. تهران: فرانکلین.
- صنعت‌جو، اعظم (۱۳۹۱). عملکرد هستی‌شناسی‌ها در نظام‌های بازیابی اطلاعات. کتاب ماه کلیات، ۱۶ (۲)، ۴۳-۴۷.
- عربگری، لیلا (۱۳۹۱). بررسی میزان بهره‌گیری از استانداردهای ابر داده‌ای در ذخیره‌سازی نسخه‌های خطی موجود در پایگاه‌های نسخه‌های خطی فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، تهران.
- فدائی، غلامرضا (۱۳۸۹ الف). طرحی نو در طبقه‌بندی علوم. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- فدائی، غلامرضا (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر هویت کتابداری و اطلاع‌رسانی. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.
- کشاوری، حمید (۱۳۹۱). هستی‌شناسی‌ها: پلهایی برای جزیره پراکنده در اقیانوس وب. کتاب ماه کلیات، اطلاعات، ارتباطات و دانش‌شناسی، ۱۶ (۲)، ۱۴-۲۵.

References

- Bean, C. & Green, R. (2001). *Relationships in the Organization of Knowledge*. London: Kluwer Academic Publishers.
- Bloomfield, M. (2001). Indexing- Neglected and poorly understood. *Cataloging & Classification Quarterly*, 33 (1), 63-75.
- Maltby, A. (1975). *Sayer's Manual/Classification Filibraminsthe*. London: Andre Deutsch/ Agratton Book.

An Alternate for F. R. B. R.?

Gholam Reza Fadaie

Professor, Faculty of Information Science and Knowledge Studies,
University of Tehran
ghfadaie@ut.ac.ir

Received: 25th November 2013; Accepted: 8th March 2014

Abstract

Purpose: The aim of this article is to propose an alternate for F.R. B.R.

Methodology: The methodology is based on library investigation and Web searching.

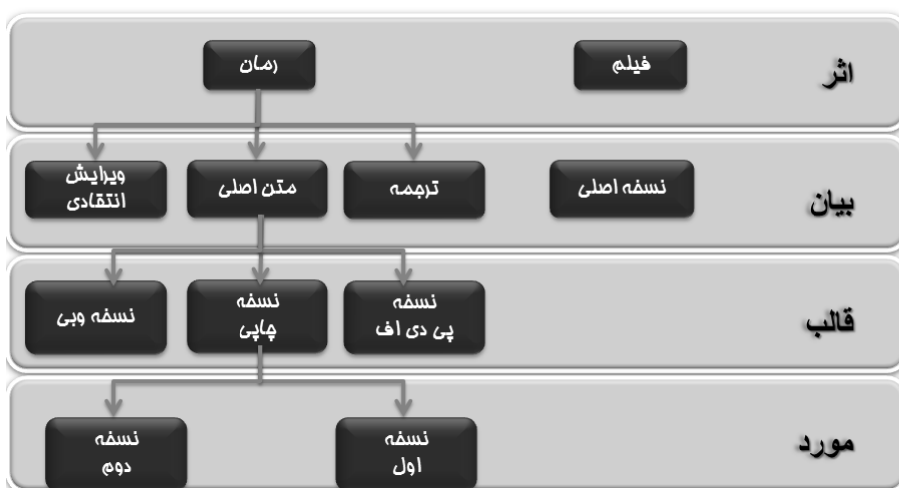
Findings: In this article every bibliographical entity is studied from eight approaches: the first is ontological one which deals with three equal - valued elements with which the entity comes into being. They are author (corporate body), title and subject. The second approach is called epistemological by which any narration or characteristics belonged to the three above mentioned elements appears here. In the two next steps, it is obvious that any entity is covered by time and space; therefore all characteristics for these two come here. In the fifth and sixth approaches, called behavior and effect, all notions which explain these two appear here. At the end, the tow last approaches, called structural and measuring, any item which describes the structure and quality or quantity which belonged to the entity is shown here.

Originality/Value: All other formats for organizing knowledge such as Dublin Core, Mark, TIA, MODES, Taxonomy, Folksonomy have solved a portion of the problems in the case. This new approach, according to the author's view will solve many limits on the way and can be a good alternative for F.R.B.R.

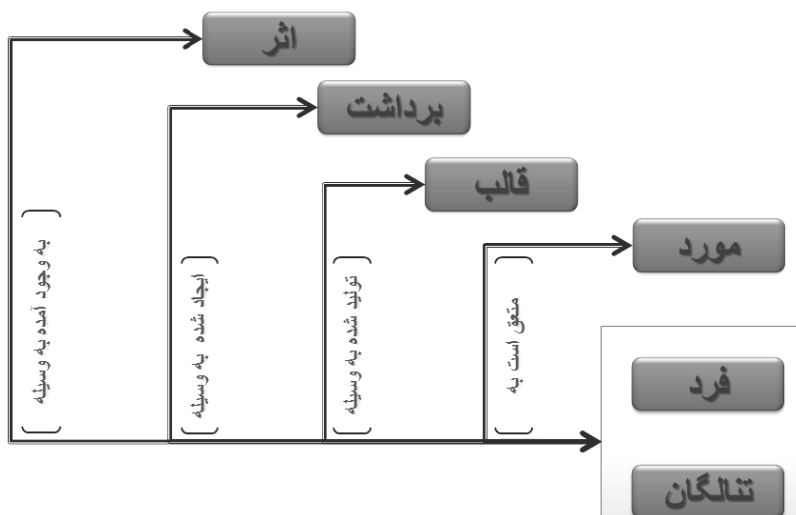
Keywords: Ontology. F.R.B.R., approach study, organizing of knowledge.

پیوست

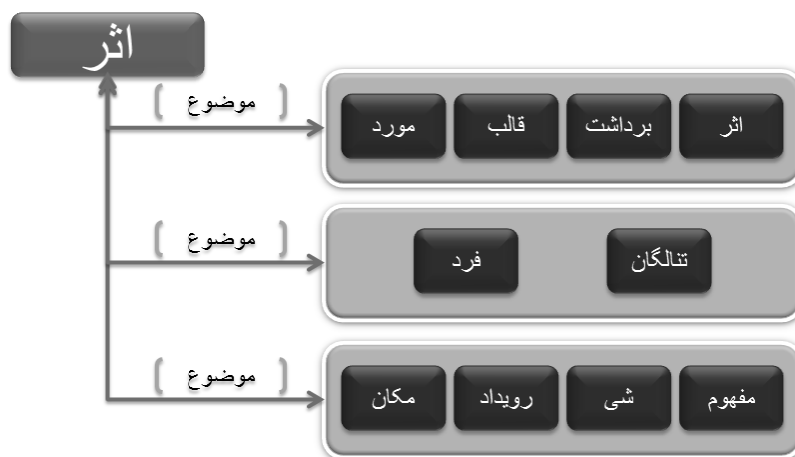
موجودیت‌های گروه اول مدل و رابطه سلسله مراتبی



موجودیت‌های گروه دوم الگو و روابط آنها



رابطه میان موجودیت‌های گروه سوم الگو



به این مقاله این‌گونه استناد کنید:

فدائی، غلامرضا (۱۳۹۳). بدیلی برای اف.آر.بی.آر؟ تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، ۲۰(۱)، ۳۰-۱۱.